

نقش خداترسی در اصلاح جامعه با تأکید بر مناسبات جنسی و جنسیتی

حسین بستان (نجفی)*

چکیده: هدف این مقاله آن است که تأثیر روحیه خداترسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های معنویت دینی را در اصلاح جامعه به‌ویژه مناسبات جنسی و جنسیتی در خانواده و اجتماع نشان دهد و از این رهگذر، به ارائه راهکارهایی در جهت تقویت و گسترش این روحیه در سطح خانواده و اجتماع به‌منظور کاهش مشکلات و آسیب‌های مربوط به روابط زن و مرد بپردازد. از نظر رویکرد می‌توان نوعی روش سه‌جانبه مشتمل بر نگاه‌های درون‌دینی، جامعه‌شناختی و مهندسی اجتماعی را در مقاله مشاهده کرد. از نظر میزان اثربخشی نیز می‌توان گفت هرچند خداترسی آموزه‌ای آشناست و آثار مثبت اجتماعی، به‌ویژه جنبه بازدارندگی آن در برابر کج‌روی‌ها قابل انکار نیست، اما یادآوری مجدد این فضیلت تقریباً فراموش‌شده و بیان مشروح‌تر آثار اجتماعی‌اش، می‌تواند کمک مؤثری به ادبیات حوزه جامعه‌شناسی دین قلمداد گردد، ضمن آن‌که تطبیق این بحث بر حوزه‌های جامعه‌شناسی خانواده و جنسیت می‌تواند کمک مهمی به پیشبرد ادبیات این دو حوزه تلقی شود.

واژه‌های کلیدی: خداترسی، دین و جامعه، دین و روابط جنسی، دین و مناسبات جنسیتی، معنویت، مهندسی فرهنگی.

مقدمه

یکی از کاستی‌های اساسی در مطالعات آسیب‌شناسی و مهندسی اجتماعی و فرهنگی به‌طور عام، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به نقش بسیار مهم معنویت در بهبود اوضاع نابسامان جامعه است که در شکل غفلت کامل از طرح این موضوع یا بسنده کردن به اشاره‌های کلی و گذرا بدون پرداختن به جزئیات، نمود می‌یابد. این در حالی است که اصل اثربخشی این عامل بر کسی پوشیده نیست و دست‌کم تجربه‌های زیسته افراد، پشتوانه محکمی برای این ادعا فراهم می‌کند.

در این مقاله، ضمن آن‌که کوشش می‌شود تحلیلی عمیق‌تر درباره این موضوع ارائه گردد، تضییق و محدودسازی آن از دو جنبه مد نظر قرار گرفته است: نخست آن‌که از میان مؤلفه‌های گوناگون مفهوم معنویت، فقط بر عامل خداترسی تمرکز شده است. دوم آن‌که؛ این بحث کلی بر یک حوزه مطالعاتی خاص، یعنی حوزه مطالعات زنان و خانواده، و یک موضوع خاص، یعنی اصلاح مناسبات جنسی و جنسیتی، تطبیق شده است. بر این اساس، مقاله پیش رو در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که خداترسی چگونه و در چه زمینه‌هایی می‌تواند در کاهش مشکلات اجتماعی به‌ویژه مشکلات و آسیب‌های مربوط به روابط زنان و مردان اثر داشته باشد؟

مباحث، ضمن دو محور ارائه خواهد شد؛ در محور نخست به مبانی نظری بحث و در محور دوم به ارائه راهبردها و راهکارها می‌پردازیم.

مبانی نظری

تأمل در تعالیم اخلاقی اسلام از جایگاه والای خداترسی در نظام تربیتی و فرهنگی این دین، پرده برمی‌دارد. صرف‌نظر از احادیث بی‌شماری که به این موضوع توجه کرده‌اند، در قرآن کریم راجع به ترس از پروردگار یا روز رستاخیز یا عذاب الهی، تنها از دو واژه خوف و خشیت و مشتقات آن‌ها بیش از هفتاد بار استفاده شده است و این به جز آیات فراوانی است که در آن‌ها واژه‌های دیگری مانند مشتقات انذار، اشفاق، خذّر، وَجَلّ، رَهَبت، هیبت و اِتِّقاء به کار رفته‌اند و نیز به جز صدها آیه‌ای است که به‌منظور تهدید گناهکاران و به هدف تقویت آخرت‌هراسی در عموم انسان‌ها به توصیف دشواری‌ها و عذاب‌های جهان آخرت پرداخته‌اند. عالمان دین به پیروی از این رویکرد، اهتمام خاصی به این موضوع مبذول داشته‌اند، برای نمونه؛ کم‌تر می‌توان کتابی اخلاقی یافت که فصلی را به بحث خوف و رجاء اختصاص نداده باشد.

گفتنی است دیگر ادیان الهی به‌ویژه یهودیت و مسیحیت نیز به این مهم توجه نشان داده‌اند. گواه این سخن، وجود گزاره‌های فراوان در کتب عهدین است که به موضوع خداترسی مربوط می‌شود. در این ارتباط، برخی ۱۲۱ آیه را از تورات و انجیل استخراج کرده [۱۳] و برخی دیگر اظهار داشته‌اند که ۱۵۰ آیه به‌طور مستقیم و صدها آیه به‌طور غیر مستقیم به خداترسی اشاره دارند [۱۷]. اخیراً کوشش‌هایی نیز از سوی برخی اصحاب کلیسا در جهت احیای آموزه خداترسی و بازگرداندن آن به متن زندگی مسیحیان صورت گرفته است؛ از جمله دکتر آرنولد فرانک در کتابی با عنوان ترس از خدا: آموزه‌ای فراموش‌شده، با تکیه بر سنت پیوریتنی به بررسی مفهوم خداترسی و انواع مثبت و منفی آن و نیز ارائه رهنمودهایی کاربردی برای مبلغان مسیحی به‌منظور تقویت این روحیه در مخاطبان در خلال برنامه‌های تبلیغی پرداخته است [۱۵]. هم‌چنین سم وود، کشیش مسیحی، در سلسله مقالاتی اینترنتی با عنوان «آیا ترس از خدا آموزه گمشده‌ای در کلیساست؟»^۱ و انتشار آن‌ها هم‌چنان ادامه دارد، به مفهوم‌شناسی خداترسی و بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته است [۱۷].

در تبیین چرایی اهتمام ادیان الهی به این موضوع می‌توان گفت: اگر خوف، رجاء و محبت الهی را سه محرک اصلی انسان در پیمودن مسیر معنویت و بندگی خداوند قلمداد کنیم، از نظر شرافت و ارزش ذاتی، محبت در صدر آن‌ها جای می‌گیرد. با این حال، انگیزش ناشی از محبت الهی، همگانی نیست و به انسان‌هایی برخوردار از درجات بالای ایمان اختصاص دارد. به‌نظر می‌رسد رجاء و امیدواری به فضل و پاداش الهی نیز در مقایسه با خوف، از فراگیری کم‌تری در میان انسان‌ها برخوردار است که این امر می‌تواند ریشه در یکی از ادراکات اعتباری غریزی یا فطری انسان داشته باشد و آن، ادراک اولویت دفع ضرر بر جلب منفعت است؛ زیرا اقتضای این امر آن است که انسان پیش از آن‌که در صدد کسب سود و پاداش برآید، به محرک خوف یعنی به خطرات و آسیب‌های احتمالی، واکنش نشان دهد. در نتیجه، از میان محرک‌های سه‌گانه، فقط می‌توان برای خوف الهی یا خداترسی جنبه همگانی قائل شد؛ زیرا با توجه به این‌که اکثر قریب به اتفاق انسان‌ها به گناه مبتلا می‌شوند و حتی انبیا و اولیای معصوم نیز خود را از گناه - هرچند به معنایی خاص - مبرا نمی‌دانند، عامل خوف از ظرفیت بیش‌تر و تناسب بهتری برای تأثیر بر کنش‌های معنوی عموم انسان‌ها برخوردار خواهد بود [۱۲، ص ۲۳۳].

¹. Is the Fear of God a Lost Doctrine in the Church?

به هر حال، آنچه این مقاله به آن عنایت دارد و می‌تواند تا حدی نوآوری آن قلمداد شود، تأکید بر آثار اجتماعی خداترسی و نه آثار فردی آن است، به این معنا که کوشش می‌شود خداترسی به‌عنوان عاملی دارای آثار اجتماعی گسترده و به‌طور خاص در ارتباط با زندگی زنان مورد تحلیل قرار گیرد. بدین منظور، ابتدا به عنوان ترسیم چارچوب نظری بحث، باید تبیینی اجمالی در خصوص منشأ و موانع خداترسی و سپس چشم‌اندازی کلی از آثار مثبت اجتماعی خداترسی ارائه گردد. ولی پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است به نکته‌ای کلامی پیرامون ضرورت خداترسی به‌عنوان پیش‌فرض این بحث، اشاره‌ای صورت گیرد.

امروزه در مباحث کلامی ادیان به‌ویژه در مسیحیت، شاهد طرح مباحث و مجادلاتی پیرامون مبنای دینی و عقلانی خداترسی هستیم. در این مباحث، شبهاتی مطرح و دیدگاه‌های موافق یا مخالف نسبت به آن‌ها ابراز می‌شود؛ از جمله این که آموزه دینی مطلوبیت خداترسی با رأفت و مهربانی خداوند سازگاری ندارد و یا این که ترس همواره امری منفی است و ما می‌خواهیم انسان‌های مثبتی باشیم؛ در نتیجه، نباید از چیزی بترسیم [۱۶]. به‌نظر می‌رسد این‌گونه شبهات بیش از آن که خاستگاه درون‌دینی داشته باشند، از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی نشأت می‌گیرند که در نتیجه فرایند دنیوی شدن^۲ به‌وقوع پیوسته‌اند و به انکار آموزه‌های دینی یا کوشش در جهت بازتفسیر آن‌ها بر طبق خواسته‌ها و تمایلات انسان دنیوی‌شده معاصر انجامیده‌اند.

از سوی دیگر، در بینش اسلامی با استناد به سفارش امیر مؤمنان علی (ع) که می‌فرماید: «هیچ یک از شما از چیزی جز گناه خود نترسد» [۴، ص ۱۸]، ترس از خدا، برحسب ترس از گناه تفسیر می‌شود. در نتیجه، هیچ تنافی و تعارضی میان خوف خدا و محبت خدا یا میان ترس از خدا و امید به خدا وجود ندارد، چنان که در آیات و روایات فراوان از مؤمنان با صفات دوگانه‌ای مانند خوف و رجاء، خوف و طمع و رغبت و رهبت در کنار هم ستایش شده است (از جمله، اعراف، ۵۶؛ انبیاء، ۹۰؛ سجده، ۱۶؛ زمر، ۹؛ حرّ عاملی، ج ۱۱: ۱۶۹-۱۷۰) و این بدان سبب است که هم خداوند به‌عنوان وجود جامع جمیع صفات کمالیه و جمالیه، از بندگان خود استحقاق آن صفات دوگانه را دارد و هم با توجه به عدم تضاد بین آن‌ها، نفس انسان از ظرفیت انصاف هم‌زمان به هر دو صفت برخوردار است. به‌علاوه، خوفی که در اسلام به آن توصیه مؤکد شده، خوف منفی و موجب افسردگی و نومیدی نیست، بلکه خوفی است مثبت و سازنده که نقش بسیار مؤثری در

². secularization

اصلاح فرد و جامعه دارد تا آنجا که برحسب تعبیر «لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْخَوْفُ» در روایات [۳، ص ۱۷۲] ترس، عامل یگانه و بی‌بدیل اصلاح مؤمن معرفی شده است. با این توضیح، بحث مبانی نظری را در دو بخش پی می‌گیریم: تبیین علی خداترسی و آثار اجتماعی آن.

۱. تبیین علی خداترسی

آنچه در این بخش به‌عنوان تبیین علی خداترسی مطرح می‌شود، دربردارنده سه نکته است: در ابتدا خلاصه‌ای از دیدگاه عالم بزرگ اخلاق، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ره)، ضمن دو نکته ارائه شده و سپس نکته‌ای تکمیلی به آن افزوده خواهد شد.

نکته نخست آن است که منشأ اصلی خداترسی، چیزی جز ایمان به خدا و روز رستاخیز نیست که این ایمان به یکی از سه حالت تقلیدی، تحقیقی و شهودی به فعلیت می‌رسد. ترس ناشی از ایمان تقلیدی، همانند ترس کودک از مار در هنگامی است که خطرناک بودن آن را از زبان مادرش می‌شنود و ترس و فرار والدین خود را از مار مشاهده می‌کند. ترس ناشی از ایمان تحقیقی، مانند ترس عقلا از چیزی است که عقل، ضرر آن را درک می‌کند و تقویت این نوع ترس از راه کثرت تذکر و تفکر در مورد آن چیز صورت می‌پذیرد. سرانجام، ترس ناشی از ایمان شهودی، عالی‌ترین نوع ترس و جامع همه فضائل آن است که تمامی شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی را از دل انسان می‌زداید [۱۱، ص ۱۴۳].

دومین نکته این است که ایمان به خدا و قیامت، گاه ضعیف و گاه قوی است. در صورت ضعیف بودن ایمان، ترس ناشی از آن نیز ضعیف خواهد بود، اما ایمان قوی، لزوماً ترس شدید را در پی ندارد؛ زیرا ممکن است ایمان کسی قوی باشد و در عین حال، غفلتش از آخرت یا غلبه حب دنیا بر دلش، مانع از تأثیر ایمان او بر خداترسی گردد. بنابراین، تأثیر ایمان بر خداترسی جنبه اقتضائی داشته و مشروط به عدم وجود مانع است [همان، ص ۱۴۴].

نکته سوم در تکمیل فرمایش مرحوم ملکی تبریزی آن است که به‌نظر می‌رسد علاوه بر غفلت از آخرت و غلبه حب دنیا بر دل انسان، ایمنی از مکر خدا نیز می‌تواند از موانع خداترسی باشد؛ زیرا گاه ممکن است شخص با ایمان و نیکوکاری که به آخرت توجه دارد و به حب دنیا نیز دچار نگردیده، به سبب ناآگاهی از صفات الهی و حالات نفس انسانی، به اعمال صالح خود مغرور شود و گمان کند دلیل موجهی برای ترس از

خدا وجود ندارد. روشن است که این حالت نفسانی که در ادبیات دینی از آن با عنوان ایمنی از مکر خدا یاد می‌شود (اعراف، ۹۹)، با روحیه خداترسی ناسازگار است و از این رو می‌تواند از موانع آن به‌شمار آید. بازتاب چنین تبیینی در سطح فردی، تبیینی از خداترسی در سطح اجتماعی به بیان ذیل است: تقویت ایمان افراد در سطح وسیع از این ظرفیت برخوردار است که به گسترش خداترسی در جامعه منجر شود و برای آن که این ظرفیت به فعلیت برسد، برطرف شدن سه مانع اصلی آن، یعنی غفلت، حب دنیا و ایمنی از مکر خدا، ضرورت دارد.

۲. آثار اجتماعی خداترسی

مرحوم ملکی تبریزی، خداترسی را به سه نوع تقسیم کرده است: ناقص، زائد و معتدل. خداترسی ناقص، صرفاً تأثیری قلبی است که به‌طور موقت باعث اندوه و گاه حتی جاری شدن اشک فرد می‌شود، اما فاقد جنبه بازاریابی در برابر شهوت‌ها و گناهان و جنبه انگیزشی نسبت به انجام عبادات است. خداترسی زائد یا افراطی آن است که موجب ناامیدی و ترک عمل صالح می‌شود و گاه ممکن است به هلاکت فرد بینجامد. اما خداترسی معتدل که در اسلام به آن سفارش شده و در این نوشتار نیز مد نظر است، آن است که انسان را به سوی پرهیزگاری، جهاد با نفس و انجام عمل صالح برمی‌انگیزاند [۱۱، صص ۱۴۶-۱۴۷].

با توجه به این نکته، از دیدگاه اسلام روحیه خداترسی از طریق سرکوب خواهش‌های نفسانی نامشروع که در برخی روایات از آن به امانت نفس تعبیر شده است [۱۰، ص ۳۹۰]، به‌صورت یک عامل قدرتمند کنترل درونی ظاهر می‌شود که انسان را از ارتکاب گناهان بازمی‌دارد [۵، ص ۱۸۳]. قهراً چنین عاملی می‌تواند به منزله سدی محکم در برابر همه گناهان غیر شخصی، یعنی جرائم و تخلفاتی که در روابط بین فردی و اجتماعی روی می‌دهند، عمل کند، چنان که در روایتی ترس از خداوند، عامل بازداشتن نفس از ظلم به دیگران قلمداد شده است [همان: ۱۸۱] و در روایاتی دیگر بر این نکته تأکید شده که فقط انسان خداترس، امین تلقی می‌شود [۳، ص ۴۳۰] و به هیچ کس به‌جز انسان‌های خداترس نباید اعتماد کرد [۷، ص ۲۱۲]. روایتی نیز متضمن این مطلب است که قاتلان پیامبران را در میان افراد فرومایه، یعنی آنان که از خدا نمی‌ترسند، می‌توان یافت [۱۰، ص ۱۱۴] و در فرازی از نهج البلاغه به نقش بی‌بدیل آخرت‌هراسی در کنترل خشم اشاره شده است [۴، ص ۱۱۰].

در تحلیلی دقیق‌تر می‌توان تأثیر اجتماعی خداترسی را در قالب یک استدلال قیاسی به شرح ذیل نشان داد:

- برحسب حدیث مشهور «حُبِّ الدنیا رَأْسُ كُلِّ حَاطِيئَةٍ؛ دنیادوستی، سرمنشأ همه خطاهاست» [۳، ص ۳۰۸]، می‌توان دل بستگی به دنیا را که دارای مصادیق فراوانی از جمله ریاست‌طلبی، برتری‌جویی، جاه‌طلبی، مال‌دوستی، حبّ زیورآلات، حبّ زینت دنیا، شهوت شکم، شهوت جنسی و راحت‌طلبی است [۵، ص ۲۹۵]، عامل اصلی تمام کج‌روی‌ها و جرائم دانست.

- بین حبّ دنیا و خوف خدا، تضادی آشتی‌ناپذیر و رابطه‌ای معکوس وجود دارد، به‌گونه‌ای که با تقویت هر یک، دیگری تضعیف خواهد شد. برحسب روایات، هر کس از خدا بترسد، نفس او نسبت به دنیا بی‌اعتنا می‌شود [۳، ص ۱۲۴] و هر کس دنیا را دوست بدارد، خوف آخرت از دلش رخت برمی‌بندد [۱۰، ص ۱۵۶] هم‌چنین برحسب حدیثی از امام محمد باقر(ع)، اصحاب پیامبر(ص) به ایشان عرض کردند: «یا رسول‌الله، بر خودمان از نفاق می‌ترسیم». حضرت دلیل این نگرانی را پرسید. عرضه داشتند: «هنگامی که نزد تو هستیم و ما را [نسبت به آخرت] یادآوری و ترغیب می‌کنی، حالت خشیت به ما دست می‌دهد و دنیا را فراموش می‌کنیم و نسبت به آن بی‌میل می‌شویم، گویا در همان حال که نزد تویم آخرت و بهشت و دوزخ را مشاهده می‌کنیم. اما زمانی که از نزد تو می‌روییم و به خانه‌های خود وارد می‌شویم و فرزندان را می‌بوییم و اهل و عیال را می‌نگریم، آن حالت دگرگون می‌شود، گویا اصلاً چنان حالتی در ما نبوده است. آیا نگران نیستی که این تغییر حالات ما نفاق باشد؟» پس حضرت به آنان فرمود: «نه، این‌ها کام‌های شیطان است که می‌خواهد شما را دل‌بسته دنیا کند» [همان، ص ۴۲].

از دو مقدمه یادشده می‌توان به این نتیجه منطقی رسید که گسترش روحیه خداترسی در جامعه، موجب تضعیف روحیه دنیادوستی و دنیاگرایی شده و در نهایت، به ریشه‌کن شدن مفاصل اجتماعی کمک می‌کند. البته با توجه به ماهیت تشکیکی حالت ترس، روشن است که میزان بازدارندگی خداترسی در برابر گناهان و کج‌روی‌های اجتماعی، بستگی تامی به شدت و ضعف آن خواهد داشت.

با توجه به این مبانی نظری عام، می‌توان نقش پراهمیت خداترسی در اصلاح مناسبات جنسی و جنسیتی را به روشنی نشان داد. تزییع حقوق زناشویی همسران توسط یک‌دیگر، خشونت همسران علیه یک‌دیگر در شکل‌های گوناگون بدنی و روانی، خیانت جنسی زن یا شوهر، تزییع حقوق زنان مطلقه توسط شوهران، ضعف نظارت همسران بر اعمال و رفتار یک‌دیگر و ضعف نظارت والدین بر رفتارهای جنسی فرزندان،

استثمار زنان در خانواده و در محیط‌های شغلی، تبرج و بی‌حجابی زنان، ارتکاب جرائم جنسی در خانواده و در اجتماع و...، مهم‌ترین مسائل و مشکلات مربوط به حوزه جنس و جنسیت به‌شمار می‌آیند که عمدتاً از حب دنیا و حب نفس نشأت می‌گیرند. از این رو، با توجه به استدلال‌های یادشده، ظرفیت بالای عامل خداترسی در رفع این مسائل و مشکلات قابل انکار نخواهد بود که این امر، باید از سوی محققان مورد توجه اکید قرار گیرد، در حالی که متأسفانه مطالعات تجربی پیرامون این مسائل به سبب غلبه نگرش سکولاریستی بر محافل علمی و آکادمیک، تاکنون این عامل مهم را نادیده گرفته‌اند.

گفتنی است که در متون دینی به تأثیر خداترسی در بیش‌تر محورهای یادشده به‌طور خاص اشاره یا تصریح شده است. برای نمونه؛ امام حسن مجتبی (ع) در پاسخ به شخصی که در باره ازدواج دخترش با آن حضرت مشورت کرده بود، فرمود: دخترت را به ازدواج مردی پرهیزگار [خداترس] درآور؛ زیرا اگر دخترت را دوست بدارد، او را اکرام خواهد کرد و چنانچه او را نپسندد، به وی ستم روا نخواهد داشت» [۷، ص ۲۱۴] هم‌چنین در آیات یکم تا هفتم از سوره طلاق که به بیان حقوق زنان مطلقه اختصاص دارند، فضیلت تقوا چهار بار و ایمان به روز واپسین یک بار یادآوری شده است. نقش خداترسی در جلوگیری از ارتکاب تجاوز جنسی نیز در روایات متعدد و در خلال داستان‌هایی که از امامان معصوم علیهم‌السلام در این باره نقل شده، مورد تأکید قرار گرفته است [۱۰، صص ۳۸۸-۳۶۱].

روشن است که عامل خداترسی با این ظرفیت بالای تأثیر در حل مسائل اجتماعی، نباید در مطالعات نظری و راهبردی نادیده گرفته شود.

راهبردها

در این قسمت با تکیه بر مبانی نظری یادشده، سه راهبرد اصلی در باب موضوع خداترسی مطرح خواهیم کرد و ضمن هر یک، به بیان راهکارهای مربوط به آن می‌پردازیم. راهبرد نخست، تقویت روحیه خداترسی در خانواده و اجتماع، راهبرد دوم، رفع موانع خداترسی در خانواده و اجتماع و راهبرد سوم، استفاده از ظرفیت بالفعل عامل خداترسی در اصلاح مناسبات جنسی و جنسیتی است.

۱. تقویت خداترسی در خانواده و اجتماع

بر پایه تبیین علی بر گرفته از دیدگاه مرحوم ملکی تبریزی، اصلی‌ترین راه تقویت خداترسی، تقویت ایمان به‌عنوان مبنای اصلی خداترسی است و در امتداد آن، استفاده از روش‌های تقویت مستقیم خداترسی

مطرح می‌شود. روشن است که اگر بنا باشد این روش‌ها در سطح اجتماعی اجرا گردند، باید ظرفیت همه نهادها و مؤسسات فرهنگی جامعه و نیز نهادهای پشتیبان فرهنگ در جهت افزایش سطح و عمق دین‌داری مردم و به‌ویژه گسترش روحیه خداترسی به کار گرفته شود. بی‌شک، نهادهای دین، خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها و نیز نهادهای سیاست و اقتصاد، نقش اصلی را در این زمینه بر عهده دارند که علاوه بر ارائه الگوهای عینی ایمان و خداترسی، باید برای تحقق روش‌های مزبور از سه راهکار کلی ذیل مدد بگیرند: (۱) افزایش معارف و آگاهی‌های دینی افراد؛ (۲) بهره‌گیری از پشتوانه‌های عاطفی دین‌داری؛ (۳) ترویج اعمال و مناسک عبادی که به نوبه خود در تقویت ایمان اثر می‌گذارند. در توضیح نقش نهادهای یادشده در تقویت مستقیم یا غیر مستقیم خداترسی در جامعه، می‌توان موارد ذیل را از باب نمونه یادآور شد:

- از مهم‌ترین وظایف نهادها، مؤسسات و کارگزاران دینی که قرآن کریم در آیه ۱۲۲ سوره توبه بر آن تأکید کرده، تفقه در دین (آشنایی عمیق با دین) و انذار و بیم دادن مردم از آخرت به منظور ایجاد ترس در آنان است. قهراً ایجاد روحیه خداترسی و آخرت‌هراسی در مردم، در گرو آن است که انذاردهندگان این روحیه را پیش‌تر در خود به‌وجود آورده باشند در غیر این صورت، توفیق آنان در تحقق این هدف، حذاقلی خواهد بود.

سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت پاک ایشان نیز، به‌روشنی بیانگر آن است که آن بزرگواران افزون بر آن که خود الگوی عینی خداترسی بودند، با استفاده از راهکارهای یادشده، همواره کوشش خود را در جهت تقویت خداترسی در جامعه، خواه به طور مستقیم و خواه به طور غیر مستقیم و از طریق تقویت ایمان افراد، به کار می‌بسته‌اند. از روایات برمی‌آید که پیامبر اکرم (ص) به این موضوع توجه ویژه داشته و از هر فرصتی برای این منظور استفاده می‌کرده‌اند و در این راستا گاه به اقشار و گروه‌هایی هم‌چون جوانان و زنان به‌طور خاص عنایت نشان می‌داده‌اند. برای مثال، در روایت است که آن حضرت نزد گروهی از جوانان انصار آمده و فرمود: «می‌خواهم آیاتی از قرآن را بر شما تلاوت کنم، پس هر کس بگرید، بهشت برای او باشد»؛ آن گاه آیاتی از آخر سوره زمر را که راجع به نحوه ورود کافران به دوزخ است، قرائت فرمود؛ پس همه گریستند به‌جز یکی از آنان که عرضه داشت: «یا رسول‌الله، خودم را به گریه زدم ولی اشکی از چشمم خارج نشد». حضرت فرمود: «من دو مرتبه آیات را می‌خوانم، پس کسی که خود را به گریه بزند نیز مستحق بهشت باشد ...» [۱۰، ص ۳۲۸] هم‌چنین برحسب روایات، آن حضرت در روز عید قربان به گروهی از زنان

برخورد کرد و آنان را به صدقه دادن و اطاعت از همسر سفارش فرمود و ایشان را به دلیل ناسپاسی در حق شوهرانشان از عذاب دوزخ ترسانید [۳، ص ۱۲۶].

پیامبر اکرم (ص) با این روش، انسان‌هایی حقیقتاً خداترس را تربیت کرد که در بنیان‌گذاری تمدن عظیم اسلامی بازوی آن بزرگوار شدند؛ کسانی که امیر مؤمنان علی (ع) سال‌ها بعد به بزرگی از آنان یاد می‌کرد و گاه بر فراق ایشان افسوس می‌خورد و می‌فرمود: «به خدا سوگند، در زمان حبیبم رسول خدا، افرادی را ملاقات کردم با موهای ژولیده، چهره‌های رنگ‌پریده، شکم‌های فرورفته از گرسنگی و پیشانی‌های پینه‌بسته که شب‌ها را به قیام و سجود برای پروردگارشان به صبح می‌رساندند ... و از او آزادی خود را از آتش دوزخ درخواست می‌کردند. به خدا سوگند، آنان را دیدم که با وجود این احوال، باز هم بیمناک و نگران بودند» [همان، ص ۶۵].

- با توجه به جایگاه مهم و بی‌بدیل خانواده در ایفای کارکرد جامعه‌پذیری فرزندان، باید از ظرفیت این نهاد برای تقویت ایمان و خداترسی در جامعه بهره‌برداری بهتری صورت گیرد، ضمن آن‌که نباید از محدودیت‌های موجود در این زمینه غفلت شود. در توضیح این مطلب می‌توان گفت: در یک وضعیت آرمانی که ایمان و خداترسی در سطح جامعه گسترش یافته و در افراد درونی شده است، ایفای کارکرد جامعه‌پذیری توسط خانواده، به‌طور طبیعی فرزندان را در مسیر دین‌داری و خداترسی سوق خواهد داد؛ زیرا در چنین شرائطی والدین به‌صورت الگوی عینی خداترسی برای فرزندان درمی‌آیند. اما در وضعیت سست شدن باورهای دینی در جامعه، نمی‌توان چنین انتظاری از والدین داشت و قهراً نقش خانواده در تقویت ایمان و خداترسی در اعضای خود محدود به مواردی خواهد شد که خانواده بتواند زمینه‌آثرگذاری دیگر عوامل و نهادهای فرهنگی را فراهم کند. بر این اساس، راهکار تشویق خانواده‌ها به گنجاندن آموزش‌های دینی (اعتقادی، عبادی و ... با تأکید بر موضوع خداترسی) ضمن برنامه‌های خانوادگی به‌طور روزانه، هفتگی یا ماهانه باید مورد توجه قرار گیرد.

- از آن‌جا که در دوران جدید، بخشی از کارکرد آموزش دینی به نهاد آموزش و پرورش انتقال یافته است، این توقع که مدارس، دانشگاه‌ها و سایر آموزشگاه‌های رسمی، سهمی از وظیفه تقویت ایمان و خداترسی را بر عهده بگیرند، توقع ناموجهی به نظر نمی‌رسد. به‌طور خاص، استفاده از ظرفیت کتاب‌های درسی و کمک‌درسی در جهت افزایش معارف و آگاهی‌های دینی دانش‌آموزان و دانشجویان، گنجاندن درس‌هایی در این کتاب‌ها در خصوص موضوع خداترسی و سرگذشت انسان‌های خداترس، برگزاری

اردوهای تبلیغی در این زمینه، استخدام معلّمان و مدیران باایمان و خداترس و ترویج اعمال و مناسک عبادی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان، سهمی است که می‌توان برای این نهاد در نظر گرفت.

- با قطع نظر از آسیب‌ها و کاستی‌های آموزش و تبلیغ دینی به‌وسیلهٔ رسانه‌های تصویری [۹]، این رسانه‌ها نیز همانند نهاد آموزش و پرورش رسمی، ایفای بخشی از کارکرد آموزش دینی را در دوران ما به‌عهده گرفته‌اند با این امتیاز که از ظرفیت‌ها و امکانات بیش‌تر و دائرهٔ تأثیر وسیع‌تری برخوردار بوده و می‌توانند علاوه بر راهکارهای؛ افزایش آگاهی‌های دینی افراد و ترویج اعمال و مناسک عبادی، راهکار تحریک عواطف و احساسات را نیز به‌کار بگیرند. از این رو، در مقایسه با نهاد آموزش و پرورش باید برای رسانه‌ها نقش بزرگ‌تری در تقویت ایمان و خداترسی در جامعه در نظر گرفته شود. برای این منظور، به‌طور خاص می‌توان از ظرفیت مجموعه‌های تلویزیونی، فیلم‌های مستند، داستانی، سینمایی و هم‌چنین برنامه‌های اخلاقی و کارشناسی مذهبی بهره جست.

- نقش نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی جامعه در زمینهٔ تقویت ایمان و خداترسی عمدتاً به جنبه‌های سخت‌افزاری مربوط می‌شود. در این راستا، زمینه‌سازی و احیاناً پشتیبانی سیاسی، قانونی، مالی، فنی و خدماتی از فعالیت‌های فرهنگی با محوریت این موضوع بایستی مورد توجه قرار گیرند.

۲. رفع موانع خداترسی در خانواده و اجتماع

برحسب تبیین علیّ مفروض در این بحث، غفلت از آخرت، غلبهٔ حبّ دنیا بر دل انسان و ایمنی از مکر خدا، سه مانع اصلی تأثیر ایمان بر خداترسی به‌شمار می‌آیند. این ادعا در سطح اجتماع نیز از وضوح کافی برخوردار است؛ بلکه می‌توان موانع مزبور را مهم‌ترین عوامل مؤثر در عرفی‌شدن جوامع دینی به‌شمار آورد. حتی برخی جامعه‌شناسان غربی با اشارهٔ ضمنی به این نکته، یکی از عوامل مؤثر در گسترش آزادی‌های جنسی در غرب را رواج نظریهٔ اومانیستی در باب اخلاق دانسته‌اند، نظریه‌ای که به جای ترس از آخرت، بیش‌تر بر شادمانی در این دنیا تأکید داشت [۱۴، ص ۴۰۶].

بر این اساس، در راستای رفع موانع خداترسی در خانواده و اجتماع باید سه راهکار اصلی غفلت‌زدایی، تضعیف حبّ دنیا و غرورشکنی مدّ نظر قرار گیرند. در سطح اخلاق فردی، برای غفلت‌زدایی باید به موعظه و یادآوری مکرر اسباب خوف به‌ویژه عذاب الهی، از طریق خواندن آیات و احادیث مربوط به آن و نیز مشاهده یا شنیدن حالات انسان‌های خائف متوسل شد. تضعیف حبّ دنیا نیز در گرو تضعیف انگیزه‌های درونی و

عوامل بیرونی آن و در مواردی، جایگزین کردن خواسته‌ها و لذت‌های دنیوی مشروع، به جای خواهش‌های نفسانی نامشروع است. برای مثال، به‌منظور تضعیف دلبستگی‌های جنسی نامشروع که زمینه شکوفا شدن روحیه خداترسی در دل انسان را کاملاً از بین می‌برند، باید اولاً؛ از طریق بیان آثار منفی دنیوی و اخروی این دلبستگی‌ها پشتوانه ذهنی و معرفتی آن‌ها تضعیف گردد، ثانیاً؛ در جهت کاهش محرک‌های شهوانی شامل محرک‌های بصری، سمعی، غذایی و... کوشش شود و ثالثاً؛ نیاز جنسی فرد از طریق مشروع، یعنی ازدواج، ارضا گردد [۱۱، صص ۱۴۵-۱۴۴]. برای غرورشکنی هم باید از طریق معرفت‌افزایی پیرامون مسأله ایمنی از مکر خدا و مفاهیم مرتبط با آن مانند «استدراج» و «املاء» (اعراف، صص ۱۸۲-۱۸۳) اقدام کرد.

زمانی که به تحلیل این موضوع در سطح اجتماعی می‌پردازیم، بار دیگر نقش نهادهای اجتماعی برجسته می‌شود. در خصوص نقش این نهادها در غفلت‌زدایی، تضعیف حب دنیا و غرورشکنی، موارد زیر قابل توجه است:

- یکی از وظائف و کارکردهای انفکاک‌ناپذیر نهادها و کارگزاران دینی؛ غفلت‌زدایی، غرورشکنی و تضعیف حب دنیا از جنبه‌های ذهنی و معرفتی است که معمولاً در قالب تعالیم و مواعظ گفتاری یا کرداری تحقق یافته است. در اوضاع و شرائط کنونی، انتظار می‌رود عالمان و مبلغان دینی نقش پررنگ‌تری در این زمینه به عهده بگیرند، به این صورت که هم در برنامه‌های تبلیغی خود سهم بیش‌تری را به آموزش و یادآوری اسباب خوف و تقویت روحیه زهد و بی‌اعتنایی به دنیا اختصاص دهند و هم با توجه به الگو بودنشان برای دیگران، موضوع خداترسی را در زندگی شخصی خودشان جدی‌تر بگیرند و مظاهر و نشانه‌های دنیادوستی را از رفتار و کردارشان پاک کنند. حدیث ذیل یکی از احادیثی است که می‌تواند الهام‌بخش آنان در این زمینه باشد. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: از حضرت عیسی (ع) پرسیدند: «با که هم‌نشینی کنیم؟» فرمود: «با کسی که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و کردارش شما را نسبت به دنیا بی‌میل گرداند» [۶، ص ۲۸].

- نقشی که از نهاد خانواده در زمینه غفلت‌زدایی، تضعیف حب دنیا و غرورشکنی می‌توان انتظار داشت، عمده‌تاً نقش حمایتی و نظارتی است که باید در جهت تشویق خانواده‌ها به ایفای هر چه بهتر آن تلاش شود. در این راستا، اختصاص زمانی ثابت در هفته یا در ماه به موضوع موعظه‌پذیری و نظارت مستمر بر افکار و گرایش‌های درونی اعضای خانواده به‌منظور جلوگیری از ریشه دواندن حب دنیا در دل‌های آنان و به‌علاوه، نقش والدین در زمینه فراهم کردن مقدمات ازدواج آسان و سریع فرزندان به‌منظور کاهش دلبستگی‌های

جنسی نامشروع آنان، از محورهای مهمی هستند که باید به آن‌ها توجه شود. البته چنان‌که گذشت، از خانواده امروزی به‌تنهایی نمی‌توان انتظار ایفای نقش‌های تربیت دینی و معنوی را داشت و از این رو، لازم است بستر مناسب برای بهره‌گیری خانواده‌ها از ظرفیت‌های دیگر نهادها- به‌ویژه نهادهای دینی- فراهم گردد.

- انتظار می‌رود نهاد آموزش و پرورش رسمی در امتداد نقشی که در زمینه تقویت ایمان و خداترسی برای آن قائل شدیم، در زمینه غفلت‌زدایی، تضعیف حب دنیا و غرورشکنی نیز قبول مسئولیت کرده و این مسئولیت را با استفاده از ظرفیت کتاب‌های درسی و کمک‌درسی و با گنجاندن درس‌هایی در این کتاب‌ها در خصوص سه موضوع یادشده به‌ویژه بیان آثار منفی غفلت، غرور و حب دنیا، با برگزاری اردوهای دینی و زیارتی معطوف به این هدف، با استخدام معلمان، مدیران و استادانی با قابلیت الگو شدن برای دانش‌آموزان و دانشجویان در این زمینه‌ها و با جهت دادن بخشی از فعالیت‌های پژوهشی و دانشجویی به سمت این موضوعات ایفا کند، گرچه با توجه به نفوذ قابل توجه فرهنگ غربی در مضامین و ساختارهای آموزشی - به‌ویژه در مراکز دانشگاهی- تا رسیدن به نقطه مطلوبی که در آن، نهاد رسمی آموزش و پرورش بتواند چنین نقشی را به‌درستی ایفا کند، راه درازی در پیش است.

- در این‌که آیا اصولاً از رسانه‌های جمعی - به‌ویژه تلویزیون - می‌توان انتظار داشت در زمینه سه موضوع یادشده نقشی بر عهده بگیرند، تردید جدی وجود دارد؛ زیرا بر پایه دیدگاه برخی صاحب‌نظران که رویکرد دنیاگرایانه را خصلت ذاتی تلویزیون تلقی می‌کنند، نهاد نوظهور رسانه نه تنها قادر نیست موانع خداترسی، یعنی غفلت، حب دنیا و ایمنی از مکر خدا را برطرف سازد، بلکه خود با تقویت و تعمیق روحیه دنیاگرایی در مخاطبان، به‌صورت مانعی اساسی در برابر خداترسی جلوه می‌نماید. نیل پستمن^۳ که تنافی تلویزیون با قداست و معنویت را نه یک امر عرضی، بلکه جزء ویژگی‌های ماهوی و ذاتی تلویزیون قلمداد می‌کند، معتقد است:

صفحه تلویزیون، خود، دارای ماهیتی ذاتی و برخوردار از گرایش نیرومند به روان‌شناسی «این‌جهانی» است. ذهن، روح و خاطر ما، چنان از برنامه‌های عادی روزمره و سرگرم‌کننده و تبلیغات تجاری و انواع فیلم‌های تفریحی انباشته شده است که به‌سختی می‌توان تصور کرد که قادر باشیم تلویزیون را از ساختار و خصلت غیر روحانی آن خارج کنیم و به آن، هاله قدسی و ویژگی معنوی ببخشیم... . تبدیل شکل

³. Neil Postman

«این جهانی» تلویزیون به شکل «آن جهانی»، متناسب با معنویت و قداست مذهبی چگونه ممکن است؟ تماشاچی نیز می‌داند که تنها با فشردن یک دکمه می‌تواند هر لحظه اراده کند، از آن جهان به این جهان و از قداست به روزمرگی بازگردد [۲، ص ۵۹؛ به نقل از پستمن، زندگی در عیش، مردن در خوشی، ص ۲۵۶].

اگرچه واقعیات موجود رسانه‌ها چنین تردیدهایی را تا حدود زیاد موجه جلوه می‌دهد، با این حال، دیدگاه ذات‌گرایانه قابل دفاع نیست و تنها با نوعی مسامحه در تعبیر می‌توان اطلاق صفت «ذاتی» را بر رویکرد این جهانی تلویزیون تأیید کرد؛ زیرا برای رسانه به‌عنوان ابزار انتقال پیام نمی‌توان ذات و ذاتیاتی به معنای دقیق این واژه‌ها قائل شد و اگر پیوندی به‌ظاهر ناگسستنی بین رسانه و رویکرد این جهانی مشاهده می‌شود، در حقیقت، ناشی از رسوخ ده‌ها ساله جهان‌بینی و فرهنگ خاص غربی در ابزارهای رسانه‌ای است، نه این‌که این دو ذاتاً، از یک‌دیگر انفکاک‌ناپذیر باشند. از این رو، تغییر رویکرد این جهانی رسانه‌ها به رویکردی آن جهانی در عین حال که بسیار دشوار است، ناممکن نیست و دست‌کم با افزایش تدریجی برنامه‌های آخرت‌گرایانه تبلیغی یا نمایشی و کاهش تدریجی برنامه‌های دنیاگرایانه می‌توان حرکتی درازمدت را به‌سوی تغییر مزبور آغاز کرد، ضمن آن‌که آسیب‌شناسی برنامه‌های آخرت‌گرایانه، به‌منظور افزایش میزان اثرگذاری آن‌ها در غفلت‌زدایی، تضعیف حبّ دنیا و غرورشکنی باید مورد توجه قرار گیرد.

- نقش نهادهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی جامعه در سه موضوع یادشده نیز، همانند نقش آن‌ها در تقویت ایمان و خداترسی، به جنبه‌های سخت‌افزاری به‌ویژه پشتیبانی سیاسی، قانونی، مالی و خدماتی از فعالیت‌های فرهنگی مربوط می‌شود. به‌طور خاص، حمایت از فعالیت‌های دینی و قرآنی با جهت‌گیری مزبور، کمک به گسترش ازدواج‌های آسان، مبارزه عملی و قانونی با پدیده‌هایی هم‌چون بی‌حجابی، بدپوششی، خودآرایی، فحشاء، هرزه‌نگاری، اعتیاد، الکلیسم، صنایع مروج دنیاگرایی و ... در سطوح مختلف تولید، توزیع و مصرف، بخشی از راهکارهایی هستند که باید در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و قانون‌گذاری از سوی متولیان امر و فعالان اقتصادی مورد عنایت قرار گیرند.

۳. اصلاح مناسبات جنسی و جنسیتی از طریق عامل خداترسی

در دو محور پیشین به نقش نهادهای اجتماعی در تقویت ایمان و خداترسی و رفع موانع آن‌ها اشاره شد. برآیند تحقق این دو راهبرد، طبق مفروض این نوشتار، اصلاح مناسبات اجتماعی به‌طور عام است که مناسبات جنسی و جنسیتی را هم در بر می‌گیرد. در محور پایانی، به راهبرد سوم؛ یعنی استفاده از ظرفیت

بالفعل عامل خداترسی در اصلاح مناسبات جنسی و جنسیتی به طور خاص می‌پردازیم. به تعبیر دیگر، می‌خواهیم راهکار یا راهکارهایی را مشخص کنیم که با اجرای آن‌ها، عامل خداترسی در همین وضع موجود نه در یک وضعیت آرمانی - به بهبود مناسبات جنسی و جنسیتی در جامعه یاری برساند.

مهم‌ترین راهکاری که در این زمینه می‌توان پیشنهاد کرد، به‌کارگیری مفهوم خداترسی در مشاوره‌های رسمی یا غیر رسمی ازدواج است که این امر نیازمند تعریف عملیاتی این مفهوم از طریق تعیین شاخص‌هایی برای سنجش آن است. برای نمونه، مقاومت در برابر وسوسه گناه، پشیمانی و توبه از گناه، طلب بخشش و حالیت از دیگران در هنگام تسبیح حقی از آنان و کثرت یاد خدا و آخرت می‌توانند به عنوان شاخص‌هایی برای تشخیص خداترسی افراد و تعیین میزان آن از سوی مشاوران ازدواج یا حتی خود خانواده‌ها و جوانان خواهان ازدواج، به کار گرفته شوند.

در همین راستا و با تکیه بر روایاتی که فقط انسان خداترس را امین قلمداد کرده‌اند [۳، ج ۸، ص ۴۳۰]، می‌توان راهکار یادشده را در دیگر گزینش‌های مهم اجتماعی از جمله گزینش‌های استخدامی و شغلی به‌ویژه در مشاغلی که نیازمند ارتباط مردان و زنانند، به اجرا درآورد و از آن، در جهت بهبود همه مناسبات اجتماعی و به‌طور خاص مناسبات جنسی و جنسیتی بهره جست.

گفتنی است پیچیدگی امور روحی و معنوی اقتضا می‌کند که از ساده‌انگاری و قضاوت‌های شتاب‌زده در مورد خداترس بودن افراد اجتناب ورزیده و احتمالاتی مانند تظاهر، نفاق و عمل از روی عادت را نیز در تفسیر رفتار کنشگران در نظر بگیریم و تنها پس از نفی این گونه احتمالات مجاز خواهیم بود خداترس بودن فرد را از شاخص‌های یادشده، استنتاج کنیم.

اما از جانب سلبی، به نظر می‌رسد حکم به خداترس نبودن افراد به دلیل فقدان شاخص‌های مزبور آسان‌تر است، هم‌چنان که می‌توان از پاره‌ای شاخص‌های سلبی برای نفی صفت خداترسی در افراد استفاده کرد، شاخص‌هایی مانند تجمل‌گرایی، زراندوزی و شکم‌پرستی که با روحیه خداترسی ناسازگارند، هرچند از نبود آن‌ها در افراد، منطقاً نمی‌توان خداترس بودن آنان را نتیجه گرفت.

نتیجه‌گیری

به گواهی اسناد روایی و تاریخی، موفقیت پیامبر گرامی اسلام (ص) در بنیان‌گذاری تمدن شکوهمند اسلامی، مرهون تربیت انسان‌های مؤمن و خداترس بوده است. در نتیجه، اگر بناست تمدن ایرانی - اسلامی در دوره

معاصر، زمینه‌ساز نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) به عنوان احیاگر تمدن اسلامی اصیل باشد، ناگزیر باید تقویت ایمان و خداترسی در جامعه را اساسی‌ترین راهبرد خود قرار دهد. بدون شک، خداترسی زنان و نیز خداترسی مردان در مناسباتشان با زنان، از مهم‌ترین محورهای این راهبرد به‌شمار می‌آیند.

بر این اساس، متولیان فرهنگی کشور باید در جهت ایجاد و گسترش فضای خداترسی در جامعه تلاش کنند و دشوار بودن این راه را به‌ویژه در زمان کنونی که موانع خداترسی بسیار قدرتمند ظاهر شده‌اند، بهانه‌ای برای عدول از آن نپندارند؛ زیرا آثار و برکات این گوهر کمیاب، فراتر از حد تصور ماست. روشن است که مراتب بالای خداترسی را که در حالات اولیای خدا سراغ داریم، نمی‌توان از عموم مردم توقع داشت، ولی اگر خداترسی را دارای هزار درجه فرض کنیم، چنانچه نظام فرهنگی کشور با کمک دیگر نهادها بتواند میزان خداترسی در سطح جامعه را فقط چند درجه ارتقاء دهد، خدمتی سترگ و بی‌نظیر به اسلام و مسلمین و آرمان‌های انقلاب عرضه داشته و آثاری چشمگیر در زمینه کاهش مشکلات اجتماعی و اصلاح مناسبات جنسی و جنسیتی به ارمغان خواهد آورد.

بی‌شک، ایجاد و گسترش فضای خداترسی در جامعه، نه از طریق صدور امر حکومتی یا بخشنامه و نه از طریق تبلیغات صرف قابل تحقق است، بلکه بیش از هر چیز به الگوهای عملی و عینی نیاز دارد، همان‌گونه که از بررسی سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) چنین نتیجه‌ای به‌دست می‌آید. از این رو، لازم است متولیان فرهنگی جامعه و دیگر شخصیت‌های مؤثر اجتماعی و سیاسی، روحیه خداترسی را پیش از دیگران در خود تقویت کنند.

به نظر می‌رسد بر پایه همین نکته اخیر و برخی نکات پیشین، بتوان به این سؤال پاسخ داد که چرا به‌رغم تبلیغات دینی نسبتاً گسترده از مجاری آموزشی و رسانه‌ای و افزایش حجم اطلاعات دینی مردم در سه دهه پس از انقلاب اسلامی، شاهد ارتقاء سطح معنویت و تقویت روحیه خداترسی در جامعه نیستیم؟ قطعاً این امر دلائل گوناگونی دارد، اما از میان آن‌ها می‌توان بر دو دلیل اصلی تأکید کرد. نخست آن‌که؛ معنویت، اصولاً به ساحت دل انسان ارتباط دارد نه ساحت ذهن او و از این رو، افزایش اطلاعات دینی افراد به‌تنهایی چاره‌ساز نیست و باید آن را صرفاً از علل مُده یا عوامل زمینه‌ساز رشد معنویت در آنان به‌شمار آورد. در مقابل، آنچه از مشاهدۀ الگوهای عملی و عینی خداترسی برای انسان حاصل می‌شود، نوعی تأثیر عمیق قلبی و شهودی است که می‌تواند آثاری ماندگار بر اتصاف فرد به خداترسی به جا گذارد و این چیزی است که در مورد آن با خلأ جدی روبه‌رو هستیم. دوم آن‌که؛ فقدان یک چارچوب مرجع ارزشی مورد وفاق در جامعه،

باعث گردیده است که نظریه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی با نوعی تعارض و ناسازگاری درونی روبه‌رو شوند، به این معنا که سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، به‌گونه‌ای ناموجه در صدد تلفیق مؤلفه‌های دنیاگرایی و آخرت‌گرایی برآمده‌اند و همین امر، زمینه‌ناکارآمدی آن‌ها را در جهت تقویت دین‌داری و خداترسی در جامعه، فراهم کرده است.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. بیات، حجت‌الله (۱۳۸۸). «هستی‌شناسی تلویزیون»؛ مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی سراسری رسانه تلویزیون و سکولاریسم، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما و دفتر عقل.
- [۳]. حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). وسائل الشیعة، ۲۰ ج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۴]. رضی، سیدمحمدبن‌الحسین (۱۳۷۰). نهج‌البلاغه، ۴ ج، (تحقیق: محمد عبده)، قم: دارالذخائر.
- [۵]. ری‌شهری، محمد (۱۳۶۳). میزان الحکمة، ۱۰ ج، تهران و قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۶]. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ ق.). الدرّ المنثور، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- [۷]. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۸ ق.). مکارم الأخلاق، لبنان: دارالحوراء.
- [۸]. طبرسی، علی (۱۴۱۸ ق.). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، (تحقیق: مهدی هوشمند)، قم: دارالحدیث.
- [۹]. فیاض، ابراهیم؛ بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی تبلیغ دینی در تلویزیون»، اسلام و علوم اجتماعی، ش ۴، صص ۳۹-۵۷.
- [۱۰]. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق.). بحارالأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۱]. ملکی تبریزی، میرزاچواد آقا (۱۳۸۰ ق.). اسرار الصلوة، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- [۱۲]. نراقی، محمدمهدی (بی‌تا). جامع السعادات، ۳ ج، (تحقیق: السید محمد کلانتر)، النجف الأشرف: دار النعمان للطباعة و النشر.

[13]. Barker, Graham (2012/6/11): <http://www.feargod.net/verses.php>.

[14]. Barnes, Harry Elmer (1939). Society in Transition, New York: Prentice-Hall, Inc.

[15]. Frank, Arnold L. (2008). The Fear of God: A Forgotten Doctrine, Ventura: Nordskog Publishing, Inc.

[16]. Penny, Louis (2012/6/11): <http://www.helium.com/items/1036854-should-we-fear-god>.

[17]. Wood, Sam (2012/5/12): <http://www.familyfortress.org/blog/2012/04/is-the-fear-of-god->